

# نور، سرعت، رنگ

## (نگاهی به امپرسیونیسم)

دکتر عبدالمجید حسینی راد\*

### چکیده:

مکتب نقاشی امپرسیونیسم در نیمه دوم سده نوزدهم در میان نقاشان فرانسوی زاده شد. این هنرمندان به طور عمدۀ با شیوه رسمی رایج نقاشی روزگار خود که بر پایه هنر کلاسیک و واقع‌نما استوار بود، مخالف بودند. از نظر آنها نقاشان قدیمی در ترسیم واقعیت پیرامون خود به راه خطا رفته بودند و تنها توانسته بودند برداشتی کلی از واقعیت را به نمایش بگذارند. این نقاشان جوان که بعدها به «امپرسیونیست» معروف شدند، با تکیه بر برخی دستاوردهای علم شیمی و فیزیک در زمینه نور و رنگ، کوشیدند دریافت لحظه‌ای و عاری از خیال‌پردازی خود را از طبیعت پیرامون بر بوم نقاشی بیاورند. شیوه امپرسیونیسم به تدریج پیراوانی یافت و هنرمندان متعددی به آن پیوستند اما همه آنها تا آخر به آن وفادار نماندند و پس از آخرین نمایشگاه مشترک در سال ۱۸۸۶، هریک راه خود را پیش گرفتند. به واقع ریشه بسیاری از گرایشهای بعد از امپرسیونیستها و نقاشی مدرن در جنبشی بود که امپرسیونیستها آغاز کردند.

### کلید واژه:

نقاشی فرانسه، نقاشی سده نوزدهم، امپرسیونیسم، مدرنیسم، مونه، نقاشی مدرن.

---

\* استادیار گروه آموزشی هنرهای تجسمی، دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران.

## آغاز حرکت و شکل‌گیری:

از اواسط سده نوزدهم میلادی به بعد تعدادی از نقاشان جوان فرانسه آثاری را به وجود آوردند که با شیوه رایج و رسمی هنر نقاشی آن روزگار بسیار متفاوت بود. آنها سعی داشتند جهان اطراف خود را به همان صورتی نقاشی کنند که آن را احساس کرده بودند و نه آن گونه که به طور معمول دیده می‌شد و تصویر می‌گردید. اغلب آثار این گروه از نقاشان در نمایشگاهی که همه ساله به صورت بین‌المللی در پاریس برگزار می‌گردید، پذیرفته نمی‌شد. تا این که سرانجام در سال ۱۸۷۴ آنها تصمیم گرفتند مجموعه‌ای از کارهای خود را در کارگاه یکی از طرفدارانشان به نام آقای «نادار»<sup>(۱)</sup>، که عکاس بود، به نمایش بگذارند.

در آن سال تابلوهایی که در کارگاه «نادار» به نمایش گذاشته شدند، اولین نمایشگاه گروهی نقاشانی محسوب گردید که پس از آن به هنرمندان «امپرسیونیست» معروف شدند.<sup>(۲)</sup> برپایی این نمایشگاه دیدگاه و حرف جدیدی را در هنر نقاشی مطرح نمود که با آنچه اساتید گذشته از نقاشی معرفی کرده بودند، متفاوت بود. هنر این نقاشان جوان در پی تحولاتی که در زمینه‌های مختلف علمی-اجتماعی اتفاق افتاده بود، شکل گرفت و با شرایط جدید زندگی متناسب بود. شیوه جنجال برانگیز و نامتعارف این هنرمندان در بازنمایی طبیعت، زندگی و جهان پیرامونشان موضوع خوبی برای مطبوعات آن روزگار بود. اتفاقاً خبرنگار نشریه Charivari به نام لورووا<sup>(۳)</sup> پس از بازدید از نمایشگاه مذکور، برای به تمسخر کشیدن آثار به نمایش گذاشته شده مقاله‌ای نوشت و به طور طعنه‌آمیزی تحت عنوان «امپرسیونیست‌ها» آن را منتشر کرد. در واقع انتخاب این عنوان با دیدن یکی از تابلوهای به نمایش در آمده به نام «امپرسیون، طلوع آفتاب»<sup>(۴)</sup> صورت گرفته بود. نقاش جوان این تابلو «کلود مونه»<sup>(۵)</sup> سعی کرده بود «احساس» خود را از موقع طلوع آفتاب نقش بزند و نه آنچه معمولاً به عنوان تصویر طلوع آفتاب در آثار نقاشان گذشته دیده شده بود. (تصویر ۱)

در این تابلو تصویر واضح و روشنی از اجزاء طبیعت به چشم نمی‌خورد، بلکه همه

چیز: افق، اسکله و کشتی‌های پهلو گرفته، انعکاس آنها در آب و قایقهای شناور با ضربات درشت قلم رنگ گذاری شده است. پس از انتشار مقاله «امپرسیونیست‌ها» بود که این گروه از نقاشان به نام «امپرسیونیست» معروف شدند و شیوه آنها به نام «امپرسیونیسم» به تدریج گسترش یافت و در میان مردم طرفدارانی پیدا کرد. بدین ترتیب تحول دیگری در سیر هنر اتفاق افتاد که پس از مدتی تأثیرات آن هنر اروپا و سایر کشورها را دربر گرفت و سرنوشت هنر نقاشی را دگرگون کرد. به طوری که بسیاری از شیوه‌ها و مکتب‌های نقاشی سده بیستم برپایهٔ ابداعات هنرمندان امپرسیونیست شکل گرفت. از نظر نقاشان امپرسیونیست، هنرمندان گذشته در ترسیم واقعیت پیرامون خود به راه خطا رفته بودند و تنها توانسته بودند برداشتی کلی از واقعیت را به نمایش بگذارند. آنها کوشیدند دریافت لحظه‌ای و عاری از خیال‌پردازی خود را از طبیعت پیرامون بر بوم نقاشی بیاورند. با این نگاه و برداشت جدید از نقاشی، آثاری بوجود آوردند که در نظر اول زمخت، بدون ظرافت، ناتمام و در عین حال سرشار از لکه رنگهای درخشان و تابناک جلوه می‌کرد.

هنرمندان امپرسیونیست اعتقاد داشتند که نقاش باید به همهٔ لحظات گذرای زندگی و طبیعت توجه داشته باشد و با بررسی گذشت زمان و تابش آفتاب به ثبت تغییراتی که در محیط اطراف می‌گذرد، بپردازد. بنابراین، به طور کلی «امپرسیونیسم» را می‌توان به معنای ادراک، تأثیرپذیری و دریافت نقاش در لحظه‌ای خاص از محیط پیرامون او دانست.

## نقاشان امپرسیونیست:

هنرمندان امپرسیونیست اغلب در نیمهٔ اول سده نوزدهم میلادی به دنیا آمده بودند. پیرترین آنها نقاشی به نام «کامیل پیسارو»<sup>(۶)</sup> بود که در سال ۱۸۳۰ متولد شد و تا سال ۱۹۰۳ زندگی کرد. او به همراه «کلود مونه»، «آلفرد سیسلی»<sup>(۷)</sup>، «رنوار»<sup>(۸)</sup> و چند تن دیگر، گروه اصلی نقاشان امپرسیونیست را تشکیل دادند. «ادوارد مانه»<sup>(۹)</sup> نیز بعدها به آنها پیوست. «سزان»<sup>(۱۰)</sup>، «دگا» و

«ون‌گوگ»<sup>(۱۱)</sup> هم برای مدتی از آنها پیروی کردند.

این هنرمندان که هر یک بطور جداگانه نقاشی را آموخته و تجربه کرده بودند، در نیمه دوم سده نوزدهم به یکدیگر پیوستند. آنها راه اساتید گذشته را که به تقلید از آثار موزه «لوور» و نقاشان کلاسیک به بازنمایی طبیعت‌گرایانه موضوعات می‌پرداختند، پی نگرفتند؛ بلکه راهی متفاوت از آنچه به شیوه رسمی آموخته بودند در پیش گرفتند.

معلمان نقاشان امپرسیونیست در واقع منظره‌سازان انگلیسی همچون «ترنر»<sup>(۱۲)</sup> و «کانستبل»<sup>(۱۳)</sup> و هنرمندان نسل پیش چون «کورو»<sup>(۱۴)</sup>، «میله»<sup>(۱۵)</sup> و نقاشان گروه باربیزن بودند که به تدریج از کارگاههای خود خارج شدند و به درون مناظر طبیعت پای گذاشتند و در جنگل‌های حومه پاریس به بازنمایی زندهٔ طبیعت پرداختند (تصویر ۲). نقاشی کردن در فضای آزاد باعث بوجود آمدن آثاری شد که در آنها همه چیز با لکه‌های روشن رنگ در کنار یکدیگر قرار گرفته بود. پس از آن امپرسیونیستها این شیوه را برای بازنمایی طبیعت در آثار خود توسعه دادند و با جسارت بیشتری برداشت و احساس خود را از دنیای پیرامونشان به روی بوم منتقل کردند. (تصاویر ۳ و ۵)

## ویژگی‌های نقاشی امپرسیونیستی

نقاشان امپرسیونیست علاوه بر پرداختن به طبیعت، به طور کلی موضوعات ساده زندگی روزمره را به عنوان مضامین کارهایشان برگزیدند. به این ترتیب شادی زندگی و بازنمایی آن با رنگ‌های شاد و سرزنده در تابلوهای آنها به وفور دیده می‌شود. هنر این نقاشان بازنمایی نور در طبیعت و ثبت لحظات گذرایی از زمان بود که احساس آنها را متأثر می‌ساخت.

در آثار نقاشان امپرسیونیست خاکستریها و قهوه‌ای‌ها جای خود را به رنگ‌های خالص‌تر می‌سپارند و باری نور و سایه بخش عمده‌ای از توجه آنها را به خود جلب می‌کند. این نقاشان از ترسیم خطوط کنار نما پرهیز کرده و از برجسته‌نمایی در پرداختن به اشیاء و جزئیات آنها می‌گریزند. امپرسیونیستها همچنین به تأثیرات

لکه‌های مختلف رنگها بر یکدیگر و اختلاط آنها در هنگام دیدنشان در کنار هم توجه دارند. همین توجه برخی نقاشان پیرو آنها چون «ژرژ سورا»<sup>(۱۶)</sup> و «پل سینیاک»<sup>(۱۷)</sup> را چنان به خود مشغول کرد که بعدها منجر به ایجاد شیوه خاصی موسوم به «پوانتیلیسم»<sup>(۱۸)</sup> گردید. در این روش رنگهای خالص به صورت نقاط کوچکی در کنار هم قرار می‌گیرند تا ترکیب آنها در نگاه بیننده از فاصله‌ای خاص به صورت یک رنگ ترکیبی به نظر بیاید. (تصویر ۴)

پس از سال ۱۸۸۶ که آخرین نمایشگاه جمعی امپرسیونیستها برگزار شد، برخی از نقاشانی که کار خود را با پیروی از آنها شروع کرده بودند به تدریج هر یک راه مستقل خود را پیش گرفتند؛ از جمله سزان، ون‌گوگ و گوگن<sup>(۱۹)</sup> که به ترتیب الهام‌بخش شیوه‌های «کوبیسم»<sup>(۲۰)</sup>، «اکسپرسیونیسم»<sup>(۲۱)</sup> و «سمبولیسم»<sup>(۲۲)</sup> گردیدند.

## ویژگی‌های کلی

### آثار مکتب امپرسیونیسم

۱. در آثار امپرسیونیستها طبیعت و اشیاء پیرامون بدون خیال‌پردازی و بدون تحریف و اغراق، به همان صورت که دیده می‌شوند، تصویر می‌گردند. در حالی که در آثار هنرمندان رمانتیست<sup>(۲۳)</sup> و واقع‌گرا<sup>(۲۴)</sup>، خیال‌پردازی، دخالت دادن احساسات و عواطف، و اغراق نقش عمده‌ای را بازی می‌کرد.

از نظر امپرسیونیستها تخیل و ارزشهای تصویری آن مربوط به گذشتگان بود و جایی در جامعه و زندگی مدرن نداشت. «زولا» مشوق مدرنیسم در هنر و حامی امپرسیونیستها می‌گفت: «هنرمندان ما باید جنبه‌های شعری ایستگاههای قطار را بیابند، همچنان که پدرانشان شعر جنگلها و رودخانه‌ها را سرودند.»<sup>(۲۵)</sup>

۲. از آنجا که رنگ و روشنی اشیاء و محیط پیرامون ما به واسطه حرکت خورشید دائما در حال تغییر است، نقاشان امپرسیونیست خود را ملزم به ثبت لحظات زودگذر می‌دانستند و از این رهگذر سرعت ضربات قلم‌مو بالکه‌های درشت رنگ در آثار آنها هویداست. از این جهت غالباً آثار این نقاشان عاری از ریزه‌کاری و عاری از توجه به

## پی‌نوشتها:

1. Nadar
۲. در واقع اولین تابلوهای امپرسیونیستی به سال ۱۸۶۳ به دنبال راه نیافتن به سالن رسمی هنر پاریس در محلی که به سالن مردودین معروف شد، به نمایش در آمد.
3. Leroy
4. Impression, Solèil levant
5. Claude Monet (1830-1929)
6. Camille Pissaro (1830-1903)
7. Alfred Sisley (1839-1999)
8. August Renoir (1841-1919)
9. Edouard Manet (1832-1883)
10. Paul Cézanne (1839-1906)
11. Vincent Van Gogh (1853-1890)
12. Joseph William Turner (1775-1851)
13. John Constable (1776-1837)
14. Jean - Baptiste Camille Corot (1714-1875)
15. Jean - Francois Millet (1814-1875)
16. Gorges Seurat (1859-1891)
17. Paul Signiac (1863-1935)
18. Pointillisme
19. Paul Gauguin (1848-1903)
20. Cubisme
21. Expressionisme
22. Symbolisme
23. Romantistes
24. Réalistes
۲۵. به نقل از نشریه tdc، ۱۵ تا ۳۱ مارس ۱۹۹۴، پاریس.

## منابع و مآخذ:

1. L' IMPRESSIONISME  
Par Jean Clay  
Ed. Hachette - Realités, Paris 1971.
2. CHEFS - D'OEUVRE des Impressionistes  
Ed. Atlas, Paris.
3. L'IMPRESSONISME, LA LUMIERE et L'INSTANT. TDC 672, 15-31 Mars 1994.  
Réunion des Musées Nationaux.
۴. حسینی‌راد، عبدالمجید: امپرسیونیسم، خاستگاه مدرنیسم در نقاشی. هنر معاصر (دو ماهنامه هنرهای تجسمی)، شماره ۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳.

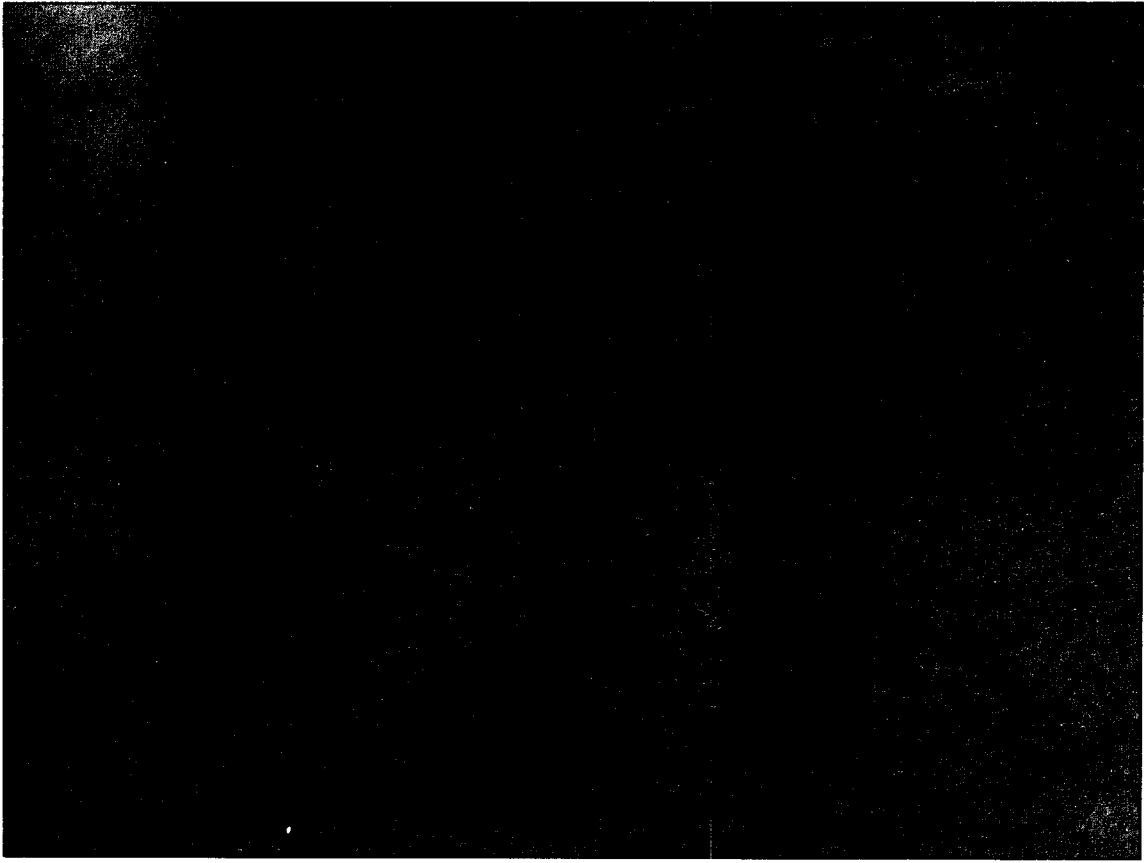
جزئیات به شیوه نقاشان کلاسیک می‌باشد. ۳. نقاشان امپرسیونیست در طی تجربیات خود دریافتند که رنگ‌های تیره نمی‌توانند درخشش و تابش نور طبیعی را نشان دهند. به همین دلیل آنان سیاه، قهوه‌ای و رنگ‌های خاکستری را از مجموعه رنگهای مورد استفاده خود حذف کردند و به جای آنها بیشتر از رنگ‌های اصلی در کنار و یا به روی هم در آثارشان بهره بردند.

۴. نقاشان گذشته - پیش از امپرسیونیستها، از ترکیب رنگ اشیاء با سیاه و قهوه‌ای سایه‌های مورد نظر را می‌ساختند، در حالی که امپرسیونیستها از رنگهای سرد و تیره از قبیل آبی و بنفش برای نشان دادن سایه و از رنگهای گرم و روشن برای نشان دادن نور و روشنی استفاده کردند.

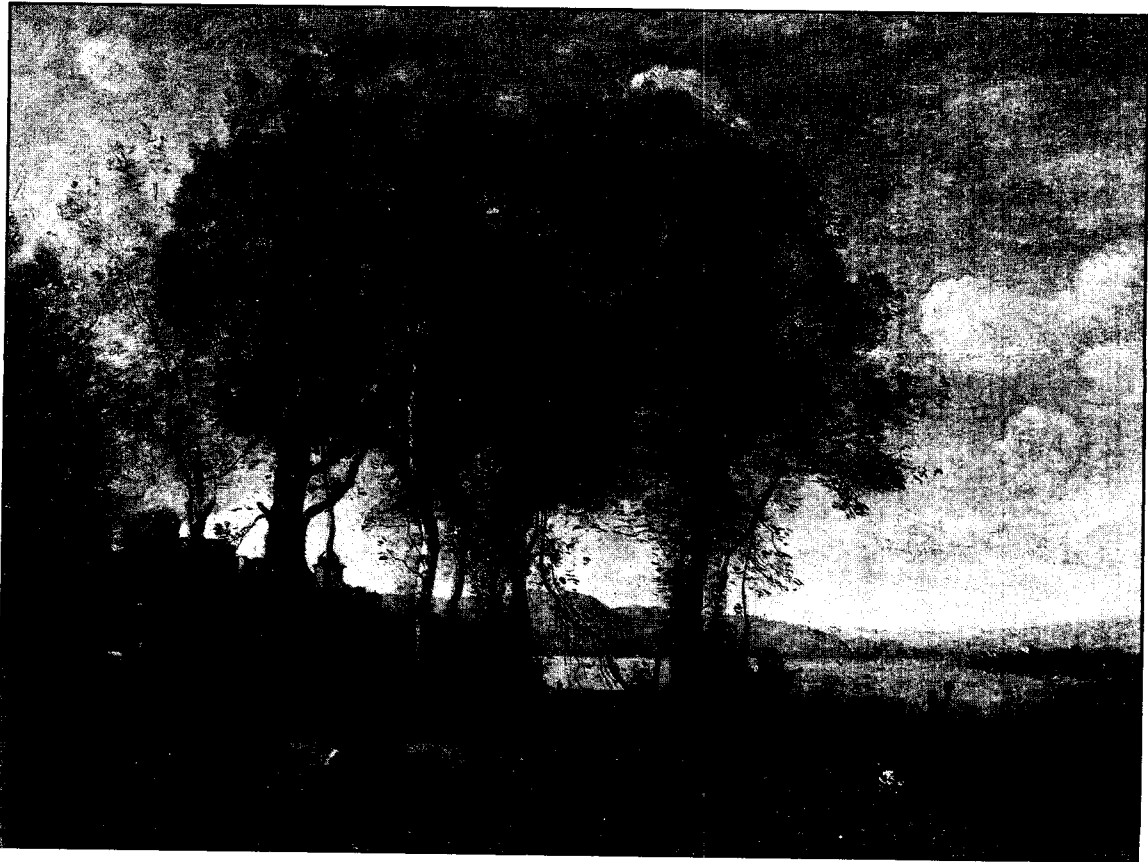
۵. امپرسیونیستها به نمایش رنگ با توجه به تأثیر جو، کیفیات تابش نور و اثرات متقابل رنگها بر یکدیگر پرداختند، نه چنانکه هر شیء از نزدیک و به دقت دیده می‌شود.

۶. در تابلوهای امپرسیونیستی جایگاه تاریخی خط به‌عنوان عنصر بصری نمایش دهنده اشکال مورد تردید قرار گرفت و از میان رفت، اما رنگ به مراتب ارزش بیشتری یافت.

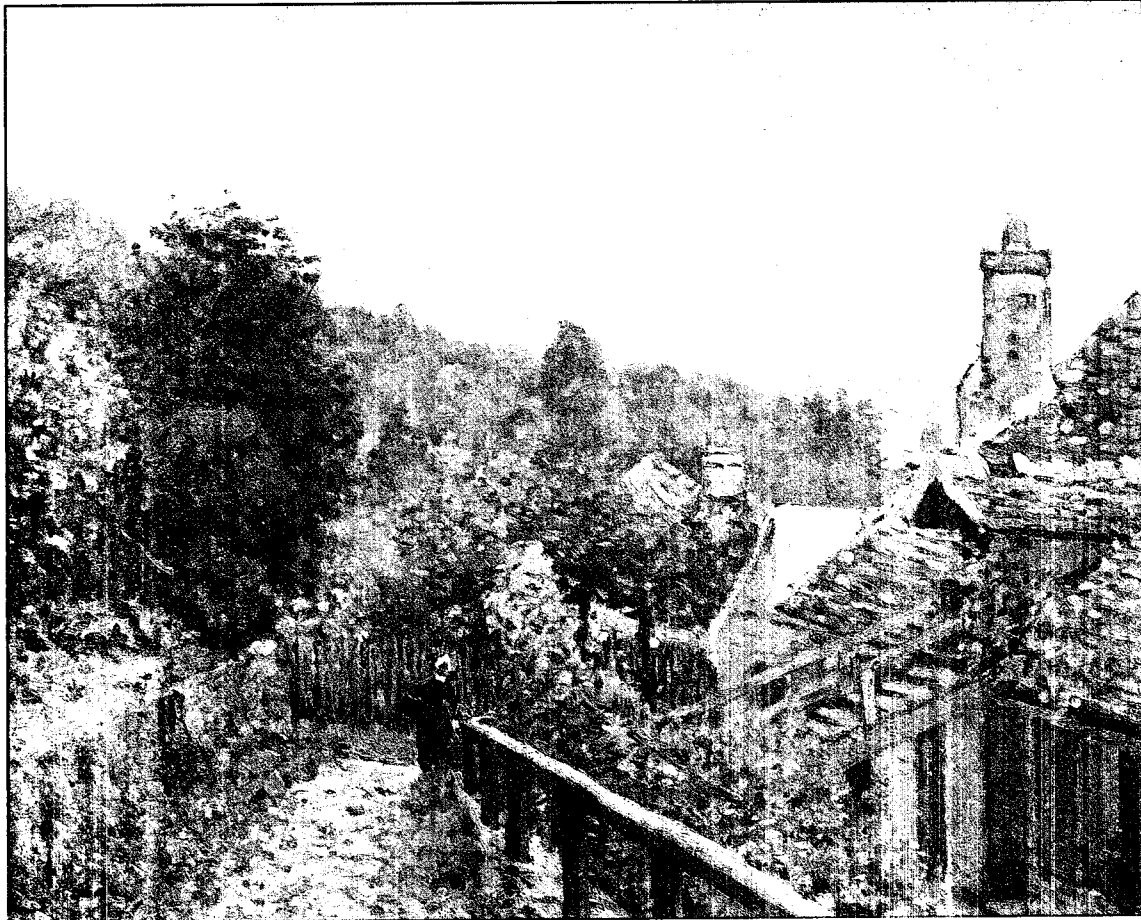
۷. پیش از شکل‌گیری مکتب امپرسیونیسم، حکایات مذهبی و افسانه‌های ادبی الهام‌بخش اصلی کار نقاشان بود، منظره‌سازی موضوع والایی در نزد نقاشان محسوب نمی‌شد و طبیعت صحنه و زمینه‌ای بود که موضوع نقاشی در آن رخ می‌داد. در حالی که نقاشان امپرسیونیست بازسازی مناظر، صحنه‌هایی از زندگی روزمره مردم شهرنشین، ارتباطات خانوادگی افراد و تصویر اوقات فراغت و صحنه‌های تفریح و شادخواری را موضوع کار خود قرار دادند. هنرمند امپرسیونیست برخلاف اسلاف خود، نه تمایلی به اساطیر داشت و نه تعلق خاطری به روایات مذهبی و نه حتی گرایش به افسانه‌های ادبی و حماسی، در حالی که هنرمندان قبل از آنها - رمانتیستها، دلپسته آن موضوعات بودند. پرداختن به طرز زندگی حاصل از توسعه بورژوازی و پیشرفت صنعتی و اقتدار سرمایه - به‌عنوان جانشین ارزشهای والا، برای آنها ارزشی بلند پایه‌تر از افسانه‌های کهن داشت.



تصویر ۱. کلود مونه، امپرسیون، طلوع آفتاب، ۱۸۷۲. موزه ارلی - فرانسه



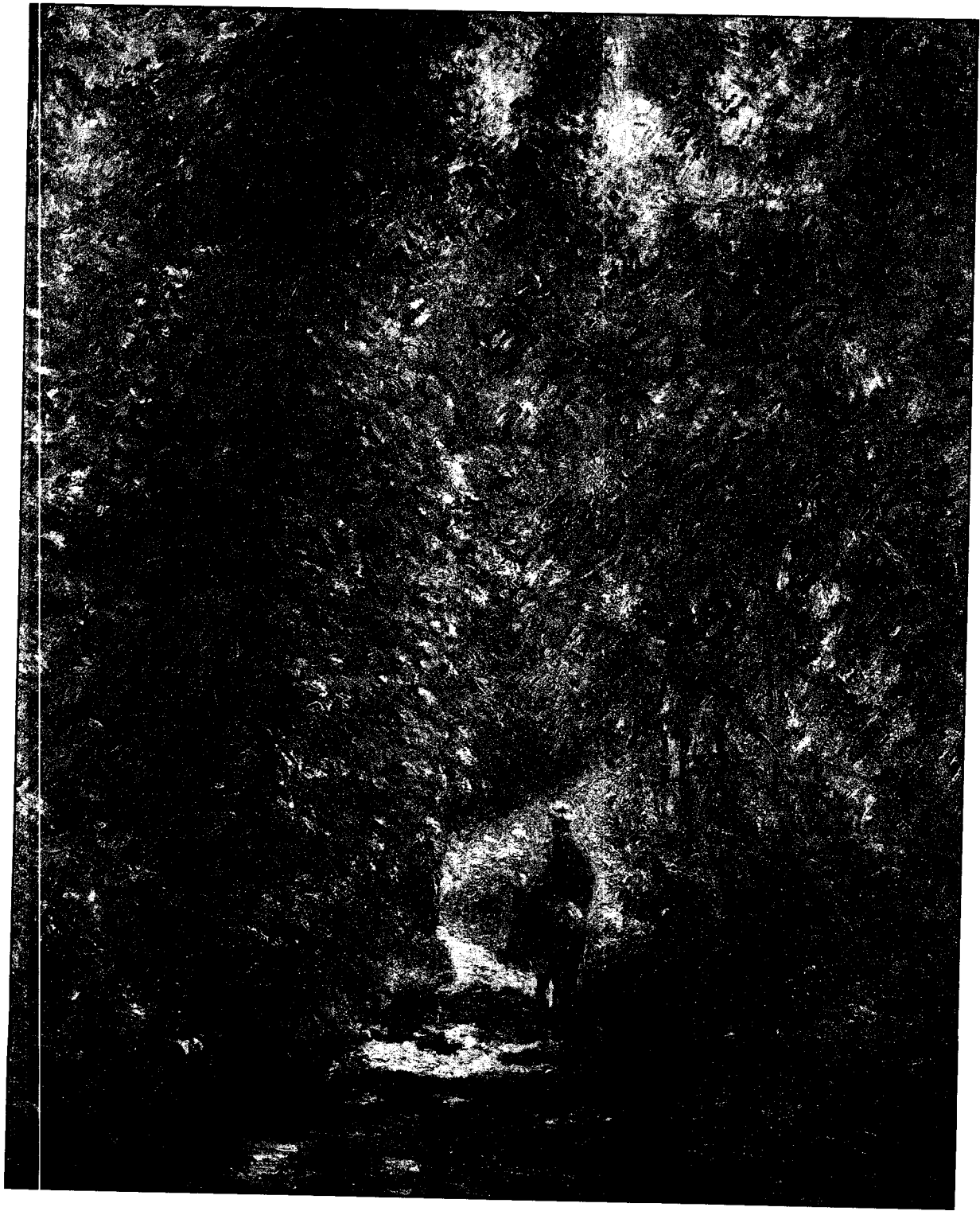
تصویر ۲. کامیل کورو - چوپانان، ۱۸۶۶. موزه ارلی - فرانسه



تصویر ۳. آلفرد سیسیلی، منظره روستایی، ۱۸۷۳. موزه ارلی - پاریس



تصویر ۴. پل سینیاک، قصر پابها - اونیون، ۱۹۰۰؛ موزه ارلی - پاریس.



تصویر ۵. کامیل پیسارو، منظره روستایی، ۱۸۷۳، موزه آرلی - پاریس.